



Review Article

Duties of Youth in the Waiting Society

Reza Berenjkari¹

Seyed Hassan Siadati²

Received: 16/05/2023

Accepted: 08/07/2023



Abstract

The waiting society is a society that takes steps towards the realization of Imam Mahdi's government by establishing the foundational requirements for its reappearance and continuity. The need to explore these duties, which are individual, social, political, cultural, and other duties, is more evident in young people because the young people are at the peak of physical and spiritual fitness and are more receptive to the affairs of the right. In addition, young people are of great importance in the government of Imam Mahdi. Examining these duties in this study can be achieved through a descriptive-analytical method. By searching in the works of hadith and the views of Shiite thinkers, one can reach duties such as knowledge creation and knowledge enhancement, strength enhancement, tolerance, taking responsibility and self-belief. Young people must increase their knowledge of divine Hujjah (Imam), strengthen their physical and military strength, and be resistant to difficulties and obstacles. They should also accept their responsibilities and maintain their self-confidence.

Keywords

Duties of the youth, waiting society, Imam Mahdi, Mahdavi government, waiting.

1. Full professor, Tehran University, and member of the Islamic Theology Association at Islamic seminary. Qom, Iran berenjkari@ut-cq.ac.ir.

2. Fourth level student (PhD student) in Imamology. Qom, Iran (corresponding author).
Seiied33@gmail.com.

* Berenjkari, R., & Siadati, S. H. (1401 AP). Duties of the youth in the waiting society. *Journal of Mahdavi Society*, 3(6), pp. 115-139. DOI: 10.22081/JM.2023.66486.1071.

مقاله علمی - ترویجی

وظایف جوانان در جامعه منتظر

رضا برنجکار^۱ سید حسن سیادت^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۶



چکیده

جامعه منتظر جامعه‌ای است که با بنیاد نهادن بایسته‌های زمینه‌ساز در ظهور و تداوم بخشیدن به آن در مسیر تحقق حکومت مهدوی گام برمی‌دارد. ضرورت کاوش در این بایسته‌ها که اعم از وظایف فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیر آن است در جوانان نمود بیشتری دارد؛ زیرا جوان در اوج آمادگی جسمانی و روحانی قرار داشته و نسبت به امور حق، پذیرش بیشتری دارد. افزون بر آن جوان در حکومت امام زمان علیه السلام جایگاه ویژه‌ای دارد. بررسی این وظایف در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی قابل دستیابی است. با جستجو در آثار حدیثی و نگاه اندیشمندان شیعی به وظایفی از جمله معرفت‌زایی و معرفت‌افزایی، قدرت‌افزایی، تاب‌آوری، مسئولیت‌پذیری و خودباوری می‌توان رسید. بر جوانان منتظر بایسته است تا معرفت خود را نسبت به حجت الهی افزایش داده، قدرت جسمانی و نظامی خود را تقویت کنند و در برابر مشکلات و ناهمواری‌ها مقاوم باشند. همچنین باید مسئولیت‌هایی که بر عهده آنان است را پذیرفته و اعتماد به نفس خود را حفظ کنند.

کلیدواژه‌ها

وظایف جوانان، جامعه منتظر، امام مهدی علیه السلام، حکومت مهدوی، انتظار.

۱. استاد تمام دانشگاه تهران و عضو انجمن کلام اسلامی حوزه علمیه. قم، ایران. berenjkar@ut-cq.ac.ir

۲. دانش‌آموخته سطح چهار امام‌شناسی. قم، ایران (نویسنده مسئول). Seiied33@gmail.com

*برنجکار، رضا؛ سیادت، سید حسن. (۱۴۰۱). وظایف جوانان در جامعه منتظر. دوفصلنامه علمی-ترویجی جامعه مهدوی، ۳(۶)، صص ۱۱۵-۱۳۹.

DOI: 10.22081/JM.2023.66486.1071

مقدمه

انتظار از مهم‌ترین مؤلفه‌های جامعه باورمند به عقیده مهدوی به شمار می‌آید. تبلور درست و شایسته این اندیشه، جامعه را از سستی و کاستی‌های بخشیده و به سوی صلاح و پویایی می‌کشاند. بالاتر آنکه وجود دیدگاه انتظار، عامل حیات و راز بقا و موجودیت افراد این جامعه به شمار می‌آید (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۶۳). وظایف منتظران در این جامعه گرچه منحصر در گروه خاصی نبوده و همگان در تحقق این هدف سترگ نقش پردازند، اما جوانان از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. بازگشت اهمیت این جایگاه به جهت خصوصیتی است که دوره جوانی دارد؛ زیرا این دوران از سه شاخصه طلایی بهره‌ور است:

اول آنکه جوانی بهار زندگی است. چنانچه در آیات قرآنی از این دوره به زمانه قوت پس از ضعف یاد شده است: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَيْبَةً؛ خدایی که شما را ابتدا ناتوان آفرید، آن‌گاه پس از ناتوانی قوت بخشید، سپس بعد از قوت، ناتوانی و پیری داد» (روم، ۵۴) رسول خدا ﷺ در وصیت به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «چهار چیز را پیش از چهار امر دریاب: اولین آن سفارشات بهره‌گیری از جوانی پیش از پیری است»^۱ (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۵۷). دوم آنکه «جوانی بهار خودسازی است». امام صادق علیه السلام از ابوجعفر احوال پرسیدند که در عزیمت به بصره توجه مردم به امر امامت و ورودشان در این مرام را چگونه یافتی؟ پاسخ داد شیعیان اندک هستند و تلاش‌هایی کرده‌اند که آن هم کم است. امام علیه السلام فرمودند «به جوانان آنان پرداز که در پذیرش خیر شتاب بیشتری دارند»^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۹۳). سوم آنکه جوانی بهار سازندگی است» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، صص ۶۱-۴۰).

۱. يَا عَلِيُّ بَادِرٌ بِأَرْبَعٍ قَبْلَ أَرْبَعٍ سَبَابِكَ قَبْلَ هَرَمِكَ وَ صِحَّتِكَ قَبْلَ سُعْمِكَ وَ غِنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ وَ حَيَاتِكَ قَبْلَ مَوْتِكَ.
 ۲. سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لِأَبِي جَعْفَرِ الْأَخْوَلِ وَ أَنَا أَسْمَعُ أَتَيْتُ الْبُصْرَةَ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ كَيْفَ رَأَيْتَ مُسَارَعَةَ النَّاسِ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ وَ دُخُولَهُمْ فِيهِ قَالَ وَ اللَّهُ إِنَّهُمْ لَقَلِيلٌ وَ لَقَدْ فَعَلُوا وَ إِنَّ ذَلِكَ لَلْقَلِيلُ فَقَالَ عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَأَنَّهُمْ أُسْرِعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ.

افزون بر حساسیت دوره جوانی، نگرش در سیره اهل بیت علیهم السلام نشان از نقش پررنگ جوان در جامعه دارد. یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله چون امیرالمؤمنین علیه السلام، ابوذر غفاری، ابوهیثم، اصبح بن نباته و دیگران از جوانان تأثیرگذار در تحقق رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده‌اند. جوان در حکومت موعود نیز جایگاه والایی دارد و همان گونه که خود امام علیه السلام به صورت جوان ظاهر می‌شود، بیشتر یاران آن حضرت علیه السلام نیز جوان هستند. به روایت حکیم بن سعید از امیرالمؤمنین علیه السلام یاران مهدی علیه السلام همگی جوان هستند و پیران در میان آنها انگشت‌شمارند^۱ (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۷۶).

بر اساس مطالب گفته شده لزوم پرداخت به جوانان جامعه منتظر و تبیین وظایف آنان به سه جهت روشن می‌شود: اول دوره جوانی دوران شکوفایی افراد در عرصه‌های گوناگون است. دوم شیوه اهل بیت علیهم السلام در به کارگیری جوان در مسئولیت‌های حساس و مهم جامعه بوده است. سوم شناخت این بایستگی‌ها اثر قابل توجهی در تحقق انتظار حقیقی در جامعه دارد.

در این نگاه‌ها با روش توصیفی-تحلیلی به وظایف جوانان از جمله معرفت‌زایی و معرفت‌افزایی، قدرت‌افزایی، تاب‌آوری، مسئولیت‌پذیری و خودباوری پرداخته شده است. بایسته است جوانان جامعه نسبت به امام زمان علیه السلام معرفت کسب کرده و آن را افزایش دهند. معرفت امام با توحید رابطه‌ای تنگاتنگ داشته و افراد را در زمان غیبت از فتنه‌ها در امان می‌دارد. وظیفه دوم جوان افزایش قدرت جسمانی و قدرت نظامی است. سومین وظیفه تاب‌آوری و مقاومت در برابر مشکلات و سختی‌هاست. چهارمین وظیفه مسئولیت‌پذیری جوان است. انتظار، یادکرد از حجت الهی و گام برداشتن در جهت تربیت جامعه اسلامی از جمله این مسئولیت‌ها به حساب می‌آیند. پنجمین وظیفه خودباوری است. جوان خودباور اعتماد به نفس داشته، همواره در حال آمادگی به سر برده و در برابر ستم کرنش ندارد.

۱. عَنْ حَكِيمِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ: أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ سَبَابٌ لَا كَهْوَلُ فِيهِمْ إِلَّا مِثْلُ كَحْلِ الْعَيْنِ وَالْمَلْحِ فِي الرَّأْدِ وَأَقْلُ الرَّأْدِ الْمَلْحُ.

۱. وظایف جوانان در جامعه منتظر

همان‌گونه که بیان شد جوانان جامعه منتظر دارای بایسته‌هایی می‌باشند که بر اساس آن انتظار مثبت و مؤثر در جامعه شکل گرفته و زمینه‌ساز ظهور می‌شود. از جمله این وظایف که منحصر در حیطه خاصی نبوده و اعم از وظایف فردی، اجتماعی، سیاسی و... است، می‌توان به معرفت‌زایی و معرفت‌افزایی، قدرت‌افزایی، تاب‌آوری، مسئولیت‌پذیری و خودباوری است؛ از این رو در این نوشتار به ترتیبی که یاد شد به تبیین هریک از این وظایف می‌پردازیم.

۱-۱. معرفت‌زایی و معرفت‌افزایی

یکی از وظایف افراد جامعه منتظر، کسب معرفت و معرفت‌افزایی است. معرفت پیش‌نیاز هر حرکت بوده^۱ (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ص ۱۷۱) و سنجه ارزش‌گذاری هر انسانی است^۲ (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۲). همچنین معرفت ارتباط تنگاتنگی با عمل و رفتار دارد. پذیرش عمل در گرو معرفت بوده و معرفت جز با عمل حاصل نمی‌شود^۳ (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ص ۲۹۴)؛ از این رو بایسته است تا اعضای جامعه منتظر از فرصت‌ها بهره برده و افزون بر کسب آگاهی، معرفت خویش را افزایش دهند. ثمره چنین شناختی، زدودن غبار جهالت از افراد جامعه، عزت و قوت خواهد بود.

چنین وظیفه‌ای نسبت به جوانان اهمیت بیشتری دارد. دلیل آن را می‌توان در ویژگی‌های جوان جست؛ زیرا از خصوصیات جوانان، آمادگی و پذیرش آنان نسبت به معارف است. امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت به امام حسن علیه السلام، دل جوان را چون زمین ناکشته توصیف کردند که هر چه در آن افکنده شود می‌پذیرد^۴ (شریف‌رضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۳۱).

۱. يَا كَيْتِلُ مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ.

۲. أَنْ فَيْعَمَهُ كُلُّ أَمْرٍ وَ قَدْرَهُ مَعْرِفَتُهُ.

۳. وَ قَالَ عليه السلام لَا يُتَمَلُّ عَمَلٌ إِلَّا بِمَعْرِفَةٍ وَ لَا مَعْرِفَةٌ إِلَّا بِعَمَلٍ وَ مَنْ عَرَفَ ذَلِكَهُ مَعْرِفَتُهُ عَلَى الْعَمَلِ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْ فَلَا عَمَلَ لَهُ.

۴. إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ.

امام صادق علیه السلام نیز سفارش به جوانان کردند؛ زیرا آنها به پذیرش نیکی‌ها آمادگی بیشتری دارند^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۹۳)؛ بنابراین معرفت‌زایی و معرفت‌افزایی از وظایف جوان جامعه منتظر به شمار می‌رود.

ضرورت بینش‌زایی و بینش‌افزایی به ویژه در مورد حجت الهی با نظر در گزاره‌های حدیثی رنگ دیگری می‌یابد؛ آنجا که مرگ بدون شناخت امام، مرگ جاهلی بیان شده^۲ (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۹۲) و در برخی روایات همسان با کفر و نفاق و گمراهی دانسته شده است^۳ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۷۷). در مقابل کسی که به حضرت مهدی علیه السلام معرفت داشته باشد، دوران غیبت به او آسیبی نرسانده و اگر با همین باور بمیرد، مانند کسی است که در خیمه امام و همراه او باشد^۴ (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۵۶). همچنین شرط پذیرش اعمال، معرفت به امام بیان شده است. معاویه بن عمّار گوید امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا» فرمودند به خدا قسم اسمای حسنای الهی ما هستیم که پروردگار، اعمال بندگان را جز با معرفت به ما نمی‌پذیرد^۵ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۱۴۴-۱۴۳). آن‌گاه که جوان به ضرورت کسب چنین معرفتی آگاه باشد، در صدد دستیابی به آن بر می‌آید.

جوانان جامعه منتظر باید بدانند که والاترین معارف یعنی توحید، به معرفت آنها نسبت به امام گره خورده است. در این صورت به هر مقدار که معرفتشان به امام زمان علیه السلام بیشتر باشد، معرفت توحیدی آنها کامل‌تر خواهد بود. به روایت شیخ صدوق، شخصی از امام حسین علیه السلام درباره معرفت خدا پرسش کرد. امام علیه السلام فرمودند دستیابی به

۱. عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَيَّ كُلِّ خَيْرٍ.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَةَ مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَّةٍ.

۳. عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَةَ مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَّةٍ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ جَاهِلِيَّةٍ جَهْلَاءَ أَوْ جَاهِلِيَّةٍ لَا يَعْرِفُ إِمَامَةَ قَالَ جَاهِلِيَّةٍ كُفْرٍ وَنِفَاقٍ وَضَلَالٍ.

۴. مَنْ مَاتَ وَهُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَا يَضُرُّهُ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُهُ وَمَنْ مَاتَ عَارِفًا لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فَسْطَاطِهِ.

۵. عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا قَالَ تَحْسُنُ وَ اللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا.

این معرفت با شناخت امام هر دوره‌ای است که اطاعت از او واجب است^۱ (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۹). در تبیین مراد از حدیث، سه احتمال می‌توان مطرح کرد:

الف. شناخت درست خدا به صفات کمالیه از راه شناخت امام حاصل می‌شود. چنانچه در روایات تصریح شده که اگر اهل بیت علیهم‌السلام نبودند، خداوند شناخته نمی‌شد^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹۳). البته این معرفت بالاتر از معرفت فطری است؛ به این معنا که امام علیه‌السلام همان‌گونه که از جهت تکوینی نشانه الهی است، به لحاظ تشریحی نیز بزرگ‌ترین آیت خداوند بوده و معرفت خدا بدون شناخت حجت و بهره‌گیری از دانش و هدایت او کامل نمی‌شود؛ از این رو معارف فطری را نیز باید از امام فرا گرفت.

ب. اطاعت الهی از اسباب کمال معرفت به خدا به شمار می‌رود. هر چه بنده‌ای اطاعتش بیشتر باشد، عرفانش افزون و هر چه معرفت بالاتر رود، شوق به عبادت بیشتر می‌شود. از آنجا که اطاعت و بندگی پروردگار بدون دریافت برنامه از سوی امام به دست نمی‌آید، از این رو معرفت کامل بدون معرفت امام حاصل نمی‌شود؛ به‌عنوان نمونه گاهی یک جمله از دعاهای رسیده از امامان معصوم علیهم‌السلام، نورانیت و لذت معنوی ایجاد می‌کند که برابر با تمام لذت‌های مادی نیست.

ج. بیشترین تأثیر معرفت خدا را می‌توان در اعمال انسان مشاهده کرد. به میزان معرفت، فرمان‌بری هم افزایش پیدا می‌کند. نمونه کامل فرمان‌بری، اطاعت از حجت الهی است و اطاعتش متوقف بر معرفت او و خود این معرفت، اطاعت الهی است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، صص ۲۴۵-۲۴۳).

یکی از راه‌های کسب معرفت و افزونی آن نسبت به حجت الهی، امری است که به آن توصیه شده و در دعاها بازتاب یافته است. در گفتگوی میان امام صادق علیه‌السلام و زراره به دوران غیبت اشاره می‌شود که در آن شیعیان امتحان شده و به خواندن دعای «اللهم عَرِّفْنِي نَفْسَكَ» توصیه می‌شود^۳ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۷). تأمل در

۱. فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ.

۲. لَوْلَا مَا عُبِدَ اللَّهُ.

۳. يَا زُرَّارَةُ إِذَا أَدْرَكَتَ هَذَا الزَّمَانَ فَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ ...

مضامین این دعا چند نکته را روشن می‌کند:

الف. دعایی که آموزش داده شده است مخصوص دوره غیبت بوده و شخص دعاکننده به خدا و رسول و حجّت‌های الهی شناخت دارد.

ب. آنچه در این دعا طلب می‌شود یا معرفت کامل تر و امدادهای غیبی بیشتر است یا درخواست ثبات بر ولایت امام زمان علیه السلام.

ج. فایده بزرگ معرفت به امام، گمراه‌نشدن و قرارگرفتن در مسیر هدایت است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۹۸). بر این اساس بایسته است تا جوان جامعه منتظر، امام زمان علیه السلام خود را شناخته و نسبت به غیبت آن حضرت، خصوصیات عصر غیبت و امتحانات این دوره آگاهی به دست آورد.

بی تردید مراد از معرفت به امامان معصوم علیهم السلام به ویژه امام زمان علیه السلام، تنها شناخت ظاهری و دانستن اسم ایشان نیست، بلکه بدانیم اهل بیت پیامبر علیهم السلام، دانای به احکام الهی و مرجع مردم در تمام امور دینی و دنیایی هستند (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۳، ص ۱۸۰). امام صادق علیه السلام فرمودند پایین ترین درجه معرفت به امام آن است که بدانی او وارث و همتای نبی اکرم صلی الله علیه و آله است به جز در نبوت، طاعت او اطاعت از خدا و رسول است، در هر امری تسلیم وی بوده و به گفتارش تمسک نمایی^۱ (خزّاز رازی، ۱۴۰۱، ص ۲۶۳).

از دیگر موارد معرفت به امام، آگاهی به مقام تکوینی و تشریحی ایشان است. امام ولایت تکوینی دارد؛ به این معنا که خداوند به مصالحی قدرت تصرف در عالم یا تدبیر در امور را به حجّت خود می‌دهد. این قدرت به دیگر اولیای الهی به اندازه ظرفیت خودشان داده شده است، اما در مورد امام این ولایت در بالاترین حد است؛ به عنوان نمونه آصف بن برخیا که تخت ملکه سبا را از دورترین فاصله در کمترین زمان ممکن حاضر می‌کند به سبب دانشی است که به بخشی از کتاب دارد؛ درحالی که علم به تمام

۱. اَدْنَى مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ أَنَّهُ عِدْلُ النَّبِيِّ إِلَّا دَرَجَةَ النَّبُوَّةِ وَ وَاوْرَثَهُ وَ أَنْ طَاعَتُهُ طَاعَةُ اللَّهِ وَ طَاعَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ وَ الرَّدُّ إِلَيْهِ وَ الْأَخْذُ بِقَوْلِهِ.

کتاب نزد اهل بیت علیهم‌السلام قرار دارد. سدید گوید در مجلسی که با جمعی از یاران نزد امام صادق علیه‌السلام بودیم، آن جناب آیه «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَنَّكَ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِ» را تلاوت فرموده و از من پرسیدند: می‌دانی این علم چه اندازه بوده است؟ گفتم: شما به من خبر دهید تا بدانم. فرمودند: قطره‌ای از اقیانوس. گفتم: چه علم اندکی! امام علیه‌السلام بیان داشتند: بلکه چه زیاد است اگر با دانشی که به تو از آن خبر خواهم داد، مقایسه نکنی. سپس آیه علم الکتاب را خوانده، با دست مبارک اشاره به سینه کرده و سه مرتبه به خدا قسم خوردند که تمام علم الکتاب نزد ما اهل بیت است^۱ (صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۱۳).

حجّت الهی همچنین ولایت تشریحی دارد و ولایت او به یکی از معانی زیر می‌تواند باشد:

- الف. ولایت تشریحی بر بیان احکام در جایگاه مناسب آن دارد.
 - ب. ولایت بر مصادیق و خصوصیات و حدود احکام دارد.
 - ج. ولایت بر امور حکم و شئونی دارد که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مقام حکومت داشته‌اند.
 - د. ولایت بر امور مالی دارد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۰۴).
- هر مقدار که معرفت به امام زمان علیه‌السلام افزایش یابد، آمادگی برای تحقق آرمان‌شهر مهدوی بیشتر خواهد بود. نیز کسانی در زمره سپاهیان آن حضرت علیه‌السلام قرار دارند که فرمان بر بی‌چون و چرای آن جناب باشند. فرمان‌بری نیز در گرو معرفت افراد به مقام و جایگاه حضرت مهدی علیه‌السلام است. با این نتیجه لزوم معرفت‌افزایی جوانان نسبت به امام زمان علیه‌السلام روشن تر خواهد شد.

۱. فَقَالَ يَا سَدِيرُ مَا تَقْرَأُ الْقُرْآنَ قَالَ قُلْتُ قَرَأْتَهُ جَعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ فَهَلْ وَجَدْتَ فِيهَا قِرَاءَتَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَنَّكَ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِ قَالَ قُلْتُ لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِ حَقٌّ يَا سَدِيرُ مَا تَقْرَأُ الْقُرْآنَ قَالَ قُلْتُ قَرَأْتَهُ جَعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ فَهَلْ عَرَفْتَ الرَّجُلَ وَ عَلِمْتَ مَا كَانَ عِنْدَهُ مِنْ عِلْمِ الْكِتَابِ قَالَ قُلْتُ فَأَخْبِرْنِي حَتَّى أَغْلَمَ قَالَ قَدَرُ قَطْرَةٍ مِنَ الْمَطَرِ الْجُودِ فِي الْبَحْرِ الْأَخْضَرِ مَا يَكُونُ ذَلِكَ مِنْ عِلْمِ الْكِتَابِ قَالَ قُلْتُ جَعِلْتُ فِدَاكَ مَا أَقَلَّ هَذَا قَالَ يَا سَدِيرُ مَا أَكْثَرَهُ إِنْ لَمْ يُنْسَبْهُ إِلَى الْعِلْمِ الَّذِي أَخْبَرْتُكَ يَا سَدِيرُ فَهَلْ وَجَدْتَ فِيهَا قِرَاءَتَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ كُلُّهُ قَالَ وَ أَوْماً يَبْدُوهُ إِلَى صَدْرِهِ فَقَالَ عِلْمُ الْكِتَابِ كُلُّهُ وَ اللَّهُ عِنْدَنَا تَلَاثًا.

۲-۱. قدرت‌افزایی

قدرت‌افزایی در جهت تحقق آرمان‌های پسندیده و عزیمت به سوی حکومت موعود، شاخصه‌ای نیکو و بایسته به شمار می‌آید. بررسی این ویژگی در جامعه منتظر را می‌توان در دو مصداق قدرت جسمی و قدرت نظامی تبیین کرد. قدرت جسمانی و لزوم اهمیت به آن همراه با پیراستگی و توانایی روحی، امری عقلایی بوده و بی‌نیاز از برهان است. جامعیت دین اسلام نیز ایجاب می‌کند در کنار آموزه‌های تقویت‌بخش نفس آدمی، قدرت‌افزایی در جسم را مورد توجه قرار دهد؛ زیرا بدن ابزار روح بوده و سلامت و نیرومندی آن تأثیرگذار در کمال جان انسان است. امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش اسحاق بن عمار از قوت در آیه «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ» فرمودند: مراد قدرت جسمانی و روحی است^۱ (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۴۵). در آیات قرآن نیز کمال جسمانی یکی از ملاک‌های انتخاب در امور مهم معرفی شده است. در قصه طالوت در آیات سوره بقره، برخلاف باور بزرگان قوم که خود را سزاوارتر به پیشوایی دانسته و گشایش مالی را سنجۀ انتخاب حاکم می‌دانند، خداوند طالوت را برمی‌گزیند و علم و جسم او را قوت می‌بخشد^۲ (بقره، ۲۴۷). در داستان موسی علیه السلام نیز معیار خدمت آن جناب برای شعیب علیه السلام، قدرت و امانت‌داری ایشان بیان شده است؛ «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبْتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص، ۲۶).

توجه به قدرت‌افزایی به ویژه در جوانان اهمیت دوچندان می‌یابد؛ زیرا جسم در این دوران در اوج آمادگی و نشاط است؛ به همین دلیل پیکره‌یاران امام زمان علیه السلام را جوانان تشکیل می‌دهند. بنابر روایت حکیم بن سعید از امیرالمؤمنین علیه السلام یاران مهدی علیه السلام همگی جوان هستند و پیران در میان آنها انگشت‌شمارند. امام علیه السلام برای ترسیم اندک بودن تعداد

۱. عن إسحاق بن عمار قال سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ» أ قوة في الأبدان أم قوة في القلوب قال فيهما جميعاً.

۲. «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ».

پیران در میان یاران، به کمی مقدار نمک در غذا و سرمه در چشم مثال زده‌اند^۱ (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۷۶). افزون بر آن در روایات تصریح به قدرت بالای یاران امام علیه السلام شده است. امام سجاد علیه السلام فرمودند: هنگامه قیام قائم علیه السلام، آفات از شیعیان دور شده و دل‌هایشان چون پاره‌های آهن سخت می‌شود. نیروی یک مرد از ایشان برابر با نیروی چهل مرد است و در زمین حکومت می‌کنند^۲ (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۴۱). ابن زبیر غافقی گوید از علی علیه السلام شنیدم که ترس از اصحاب مهدی علیه السلام در دل دشمنان می‌افتد و با دشمنی روبه‌رو نمی‌شوند مگر آنکه شکستش می‌دهند^۳ (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۳۸). مصداق دیگر قدرت‌افزایی، توانایی نظامی است. آمادگی^۴ و دفاع از مرزهای اسلامی و دفع هجوم دشمنان یک تکلیف واجب بر عهده همگان است. همان‌گونه که خانه افراد جامعه، جان، مال و ناموسشان باید از خطرات در امان باشند، وطن اسلامی نیز که خانه همه است باید در امنیت باشد؛ بنابراین از وظایف جوانان منتظر آن است که در برابر جریان‌های مخالف، آمادگی خود را حفظ کرده و ایستادگی کنند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۴، صص ۲۹-۲۷). به همین منظور بعضی از علما حتی تهیه سلاح و مرکب سواری را از وظایف منتظران حقیقی قلمداد کرده و برخی احادیث را به‌عنوان پشتوانه اندیشه خود بیان کرده‌اند؛ از جمله امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کدام از شما اگر چه به اندازه مهیا کردن تیری باشد، باید برای خروج قائم علیه السلام آماده باشد. هنگامی که خداوند از نیت این فرد آگاه باشد، امید است که عمر او را طولانی کند تا دوره ظهور را درک کند و از یاران امام علیه السلام باشد^۵ (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۳۲۰).

۱. أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ سَبَّابٌ لَا كَهُولَ فِيهِمْ إِلَّا مِثْلَ كُحْلِ الْعَيْنِ وَالْمِلْحِ فِي الرَّأْسِ.
۲. عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَرْبِيرِ الْحَدِيدِ وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ يَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَنَاهَا.
۳. يخرج المهدي في اثني عشر ألفاً إن قُلُوًا، وخمسة عشر ألفاً إن كُتِرُوا، ويسير الرعب بين يديه، لا يلقاه عدو إلا هزمهم بإذن الله.
۴. بنابر آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُؤْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال، ۶۰)، آمادگی رویارویی با دشمنان امری بایسته است.
۵. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام لِيُعِدَّنَّ أَحَدُكُمْ لِحُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَبِيِّهِ رَجُوثٌ لِأَنَّ يُنْسِيءَ فِي عُمُرِهِ حَتَّى يَدْرِكَهُ فَيَكُونُ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ.

از این رو یکی از وظایف جوانان جامعه منتظر، قدرت‌افزایی جسمی و نظامی بوده و به دو سبب لزوم آن روشن می‌شود:

الف. رشد این ویژگی در جوان، جامعه را به سوی تعالی و کمال حرکت داده و از عوامل ظهورساز خواهد بود.

ب. از آنجا که یاران مهدی علیه السلام نیز از خصوصیت جوانی و قدرت بهره‌مند هستند، برای پیوستن به سپاه قدرتمند آن جناب علیه السلام باید از چنین توانایی برخوردار باشیم. ابن‌اعین گوید در خدمت امام باقر علیه السلام بودم. هنگام برخاستن [از ضعف] بر دستم تکیه زدم. گریه‌ام گرفت. امام علیه السلام از علت گریه‌ام پرسید. عرض کردم دوست داشتم قدرتی داشتم و قیام را درک می‌کردم^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۹۴). بر اساس این روایت عبدالملک بن‌اعین می‌داند که برای همراهی با یاران حجّت الهی باید بهره‌ور از قوّت جسمانی باشد. گرچه امام علیه السلام در ادامه می‌فرمایند در آن موقع به هر مردی قدرت چهل مرد جنگی داده می‌شود، اما بی‌تردید کسب آمادگی برای حضور در جمع یاران قائم علیه السلام ضروری به نظر می‌آید.

۱-۳. تاب‌آوری

تاب‌آوری در معنای لغوی مرادف با واژگانی چون پایداری و مقاومت و در اصطلاح علم روان‌شناسی نوعی توانایی و سازگاری با شرایط ناخوشایند است. این شاخصه تنها حالتی انفعالی نبوده، بلکه حضوری فعال و سازنده است، به طوری که فرد را در شرایط خطرناک به تعادل زیستی-روانی می‌رساند (سامانی و دیگران، ۱۳۸۶، صص ۲۹۱-۲۹۰). ویژگی تاب‌آوری و مقاومت در آیات و روایات به تکرار مورد توجه قرار گرفته است؛ به‌عنوان نمونه آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم، ۳۰) بیان می‌دارد که فطرت انسان‌ها آمیخته با استقامت و پذیرش دین حنیف است (صافی گلپایگانی،

۱. عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: قُئْتُ مِنْ عِنْدِ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فَأَعْتَمَدْتُ عَلَى يَدَيْ فَبَكَيْتُ فَقَالَ مَا لَكَ فَقُلْتُ كُنْتُ أَرْجُو أَنْ أَدْرِكَ هَذَا الْأَمْرَ وَبِي قُوَّةٌ.

۱۳۹۷، ج ۱، ص ۴۴). در برخی آیات نیز مورد خطاب فرمان به پایداری، شخص رسول خدا ﷺ است: «اسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ» (هود، ۱۱۲؛ شوری، ۱۵). در روایتی امیرالمؤمنین علیه السلام در اندرز به مردم، پس از تلاوت آیه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت، ۳۰) فرمودند: شما به توحید اقرار کردید، از این رو بر کتاب او، راه و روش فرمانش و بر طریقت بندگان صالح وی استقامت ورزید^۱ (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۷۶). نهادینه شدن تاب آوری درون افراد جامعه، آثار و برکات ویژه‌ای را به دنبال خواهد داشت. با توجه به آیه پیشین، نزول فرشتگان، برطرف شدن ترس و اندوه و مژده بهشت برین از جمله این آثار به شمار می‌روند.

با درنگ در گفتار آمده، به چند نتیجه رهنمون می‌شویم:

- الف. تاب آوری صفتی پسندیده و آمیخته با فطرت انسانی است.
- ب. دستیابی و تقویت چنین صفتی، امری عقلایی و فرادینی بوده و منحصر در فرامین دینی و ویژه ایمان‌آوردگان نیست.
- ج. شخص مقاوم، گوشه‌گیر و منفعل نبوده، بلکه رویکردی فعال در برابر مشکلات دارد.

- د. دامنه پایداری، کامل‌ترین انسان‌ها یعنی رسول خدا ﷺ را نیز دربر می‌گیرد.
 - ه. دریافت بهره‌های مادی و معنوی از آثار برقراری مقاومت در افراد به حساب می‌آید.
- طلب خصلت تاب آوری در جامعه منتظر به خصوص در جوانان نمود بیشتری می‌یابد؛ زیرا روزگار جوانی دوران جهاد و مبارزه با نفس و نمایش اراده و پایداری است و یاد خدا و نگرش در نوید الهی در هدایت^۲ (عنکبوت، ۶۹)، مایه استواری جوان در نیل به این صفت نیکو است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰، صص ۶۹-۶۸). تفاوت جوان مؤمن منتظر

۱. قَالَ اللَّهُ [جَلَّ ذِكْرُهُ] تَعَالَى «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» وَقَدْ قُلَّمْ رَبَّنَا اللَّهُ فَاسْتَقِيمُوا عَلَى كِتَابِهِ وَعَلَى مِنْهَا حَافِظٌ وَأَمْرُهُ وَعَلَى الطَّرِيقَةِ الصَّالِحَةِ مِنْ عِبَادَتِهِ.

۲. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ».

با انسان سست‌بنیان در آن است که حوادث و سختی وی را تکان نداده و مانند کوه در برابر بادهای سخت ثابت‌قدم است. هرچه دین‌داری دشوارتر شود، ایمان و تعهد مؤمن قوی‌تر می‌شود (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، صص ۴۱-۳۸). گزارش‌های تاریخی نیز نشان از آن دارد که تاب‌آوری، معیار نزدیکی به امام زمان علیه السلام بوده است. از ابوسهل نوبختی پرسش شد چگونه نیابت خاص به حسین بن روح رسید و به تو نرسید؟ وی گفت اهل بیت علیهم السلام به این امر آگاه‌ترند. من کسی هستم که با دشمنان مناظره می‌کنم و اگر از مکان امام علیه السلام آگاه باشم ممکن است در میان بحث‌هایم برای اثبات دلایلم به مکان امام علیه السلام اشاره کنم؛ درحالی‌که حسین بن روح اگر بدنش پاره‌پاره شود، هرگز جای امام علیه السلام را نشان نمی‌دهد^۱ (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۹۱). بنابر این روایت سنجۀ انتخاب حسین بن روح به‌عنوان نائب خاص، تاب‌آوری و صبر و مقاومت وی بیان شده است. در گذر تاریخ، باور به ماندگاری دین اسلام و اهتزاز پرچم توحید و عدل در پهنه گیتی، عامل پایداری مسلمانان و اعتراض به حکومت‌های بیدادگر بوده است. اهل انتظار در هر شرایطی امید خویش را حفظ کرده و در راه تحقق اهداف اسلام تلاش بیشتری می‌کنند؛ زیرا انتظار واقعی را در حضور فعال و ایستادگی در برابر تباهی‌ها و فساد می‌دانند.

بر این بنیان بایسته است جوانان در جامعه منتظر با برقراری و تقویت ویژگی تاب‌آوری، انتظار واقعی را در جامعه به نمایش گذاشته و در راه تحقق حکومت مهدوی قدم بردارند.

۴-۱. مسئولیت‌پذیری

مسئولیت در لغت مترادف با متعهدبودن و موظف‌بودن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۲۰۹۰۷)

۱. أَنَّ أَبَا سَهْلٍ النَّوْبَخْتِيَّ سُئِلَ فَقِيلَ لَهُ كَيْفَ صَارَ هَذَا الْأَمْرُ إِلَى الشَّيْخِ أَبِي الْقَاسِمِ الْحُسَيْنِيِّ بْنِ رُوحِ دُونَكَ. فَقَالَ هُمْ أَعْلَمُ وَ مَا احْتَارُوهُ وَ لَكِنْ أَنَا رَجُلٌ أَلْقَى الْحُضُومَ وَ أَنَاظِرُهُمْ وَ لَوْ عَلِمْتُ بِمَكَانِهِ كَمَا عَلِمَ أَبُو الْقَاسِمِ وَ ضَعَطْنِي الْحُجَّةَ [عَلَى مَكَانِهِ] لَعَلِّي كُنْتُ أَدُلُّ عَلَى مَكَانِهِ وَ أَبُو الْقَاسِمِ فَلَوْ كَانَتْ الْحُجَّةُ تَحْتَ ذَيْلِهِ وَ قَرَضَ بِالْمَقَارِيضِ مَا كَشَفَ الدَّيْلَ عَنْهُ أَوْ كَمَا قَالَ.

و پذیرش مسئولیت از سوی افراد به این معناست که امر پذیرفته شده بر گردن آن‌هاست و باید آن را به سرانجام برسانند. با توجه به آیات قرآن کریم از هر دو گروه پیامبران و مخاطبان رسالت در مورد ایفای درست مسئولیتشان سؤال می‌شود: «فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَ لَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ» (اعراف، ۶). وظیفه رسولان الهی در پیام‌رسانی و هدایت‌گری و مسئولیت مخاطبان در پذیرش دستورات پروردگار و هدایت‌یابی است. به این ویژگی در روایات نیز اشاره شده است. در حدیث نقل شده از پیامبر ﷺ، افراد به شبان تشبیه شده‌اند که در شبانی خود مسئول‌اند^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۳۸). نگرش در این روایت می‌رساند که امر به نیکی و نهی از بدی بر عهده همه افراد جامعه است و همه نسبت به آن تکلیف دارند (صافی گلپایگانی، ۱۴۳۳ق، ص ۵۲). مسئولیت در همه ابعاد زندگی چون امور فردی، اجتماعی، عبادی، سیاسی، فرهنگی و غیر آن معنا پیدا کرده و به همین تناسب، اهمیت آن شدت و ضعف می‌یابد. مسئولیت در برابر پروردگار، مهم‌ترین این وظایف به شمار می‌رود؛ زیرا همان‌گونه که در روایات تأکید شده است^۲ (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۲۵)، وجود هر نعمتی، حق آور و تکلیف‌آور بوده و گستره آن به اندازه نعمت‌های الهی وسیع خواهد بود (حکیمی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۵۷).

بحث از شاخصه مسئولیت‌پذیری نسبت به جوانان اهمیت بیشتری دارد و دلیل آن را باید در بن‌مایه‌های این ویژگی در وجود جوان جست. این خصوصیت در سایه وظیفه‌شناسی محقق شده و وظیفه‌شناسی نیز با توجه به آموزه‌های دینی بر پایه‌های عقل‌ورزی و تفقه استوار است (رستمیان، ۱۳۹۳، صص ۳۹-۳۸). از آنجا که جوانی دوران تثبیت خردورزی است، مسئولیت‌پذیری جوان جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند. به فرموده امام علی علیه السلام، عقل و حُمت تا سن هجده سالگی همواره در نبردند و با ورود به این سن هریک بیشتر باشد بر جوان غلبه می‌یابد^۳ (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۰۰). تفقه در دین نیز از مواردی است که تحقق آن در جوان مورد تأکید قرار گرفته است. از امام باقر و امام

۱. رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: كَلَّمْتُ رَاعٍ وَ كَلَّمْتُ مَسْئُولٍ عَنْ رَعِيَّتِهِ.

۲. إِنَّ حُقُوقَ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُقَوِّمَ بِهَا الْعِبَادَ، وَ إِنَّ نِعَمَ اللَّهِ (عَزَّ وَ جَلَّ) أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعِبَادُ.

۳. لَا يَزَالُ الْعَقْلُ وَ الْحَمَقُ يَتَغَالَبَانِ عَلَى الرَّجُلِ إِلَى ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً فَإِذَا بَلَغَهَا غَلَبَ عَلَيْهِ أَكْثَرُهُمَا فِيهِ.

صادق علیه السلام روایت شده که بیان داشتند اگر جوانی از جوانان شیعه را بیابم که ژرف اندیشی در دین ندارد او را ادب خواهم کرد^۱ (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۲۸). در نتیجه به سبب اهمیت عقل ورزی و تفقه در جوان، مسئولیت پذیری در وی اولویت می یابد.

جوانان جامعه منتظر مسئولیت هایی دارند که پذیرش آن ها، حرکت به سوی حکومت مهدوی را شتاب می بخشد که به بیان چند نمونه از مصادیق آن بسنده می شود:

الف. انتظار ظهور داشتن: منتظر بودن مسئولیتی است که همگان بایسته است در انجام آن کوشا باشند. منتظر حقیقی فراگیری اسلام در گیتی و برقراری عدل جهانی در سایه دولت مهدوی را به چشم ایمان دیده و در راه عملی شدن این اهداف پیش می رود (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۲۸). انتظار ظهور امیدبخش بوده و حیات و حرکت در جامعه ایجاد می کند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۵۸). در یک تقسیم بندی انتظار ظهور به دو دسته انتظار قلبی و عملی تقسیم می شود. انتظار قلبی نیز سه درجه دارد: اول آنکه به یقین می داند ظهور امری حقیقی است؛ زیرا ظهور وعده الهی است و خداوند از وعده خود تخلف نمی کند. دوم آنکه وقت خاصی برای ظهور تعیین نکند. سوم آنکه انتظار را در همه احوالات حفظ کند. در انتظار به مفاد آیات و روایات، تقوی و عمل صالح اسباب ظهور را مهیا کرده و کردار ناپسند و گناهان آن را به تأخیر می اندازد (فقیه ایمانی، ۱۳۸۸، صص ۱۲۲-۱۱۹).

ب. یاد کرد از حجت الهی: جوان متعهد همواره با امام خود تجدید عهد کرده و برای تعجیل فرج آن حضرت دعا می کند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۰). بنابر گفتار نورانی اهل بیت علیهم السلام، دعا کردن فضیلت ویژه ای دارد. معاویه بن عمار گوید از امام صادق علیه السلام در مورد دو نماز گزار پرسیدم که نماز را شروع کرده، یکی قرآنش بیشتر و دیگری دعایش بیشتر است. کدامیک برترند؟ فرمودند دعا برتر است^۲ (طوسی، ۱۴۰۷ق،

۱. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبُو جَعْفَرٍ علیهم السلام لَوْ أَنِيتْ بِشَابِّ مِنْ شَبَابِ الشَّيْخَةِ لَا يَتَفَقَّهُ لِأَدْبِهِ.

۲. قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام رَجُلَيْنِ افْتَتَحَا الصَّلَاةَ فِي سَاعَةٍ وَاجِدَةً فَكَلَا هَذَا الْقُرْآنَ فَكَانَتْ تِلَاوَتُهُ أَكْثَرَ مِنْ دُعَائِهِ وَ دَعَا هَذَا أَكْثَرَ فَكَانَ دُعَاؤُهُ أَكْثَرَ مِنْ تِلَاوَتِهِ ثُمَّ انْصَرَفَا فِي سَاعَةٍ وَاجِدَةٍ أَفْضَلُ أَمْ هُمَا أَفْضَلُ قَالَ كُلُّ فِيهِ فَضْلٌ كُلُّ حَسَنٌ قُلْتُ إِنِّي قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ كَلًّا حَسَنٌ وَ أَنَّ كَلًّا فِيهِ فَضْلٌ فَقَالَ الدُّعَاءُ أَفْضَلُ.

ج ۲، ص ۱۰۴)؛ بنابراین دعا برای خاتم الأوصیاء علیه السلام برکاتی فراوانی به همراه داشته و از حاجات شخصی ما برتر است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۵).

ج. **گام برداشتن در جهت تربیت اسلامی جامعه:** بنابر آموزه‌های دینی، حق مؤمن بر مؤمن آن است که آنچه برای خود می‌پسندد برای اهل اسلام روا دارد^۱ (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۰) و بالاتر آنکه ایثار نفس داشته و دیگران را بر خود ترجیح دهد. با تبلیغ چنین فرهنگی و پذیرش این مسئولیت، ضعف‌ها و کاستی‌ها جبران می‌شود (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷، ج ۲، صص ۳۰۸-۳۰۷).

د. **حساسیت و موضع‌گیری همگان در رویارویی با بدی‌ها:** به همین سبب در آیات قرآن توصیه به صبر و حق‌مداری به صورت رابطه‌ای دوسویه ترسیم شده^۲ (عصر، ۳) که نشان از وظیفه همگانی دارد (صافی گلپایگانی، ۱۴۳۳، ص ۵۲).

۱-۵. خودباوری

ایجاد و تقویت خودباوری از دیگر وظایف جوانان در جامعه منتظر به شمار می‌آید. این ویژگی در یک تقسیم‌بندی به خودباوری انسانی، مذهبی، ملی و شخصی تقسیم می‌شود. خودباوری انسانی یا اعتماد به نفس به این معناست که هر فردی به استعدادها و ظرفیت‌های انسانی خودش باور داشته و از هویت حیوانی فراتر رود. در خودباوری دینی، این اندیشه وجود دارد که تنها دین پسندیده الهی اسلام است و بینشی والاتر از آن یافت نمی‌شود. خودباوری ملی در برابر خودبیگانگی بوده و افراد جامعه به توانایی‌های ملی خود اعتقاد دارند که سرنوشتشان را به دست خود رقم می‌زنند. خودباوری شخصی یعنی شخص استعدادهای خاص خودش را دریابد و با تقویت آنها کاستی‌ها را جبران کند (عرفان، ۱۳۷۹). موافق با اقسام یادشده، بایسته است جوان منتظر در همه عرصه‌های خودباوری روحیه خود را پرورش داده و در حالت آمادگی به سربرد. هرگاه افراد جامعه به خود و

۱. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ الَّذِي يُحِبُّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ.

۲. «وَتَوَاضَعُوا بِالْحَقِّ وَتَوَاضَعُوا بِالصَّبْرِ».

استعدادهایشان اعتماد داشته و نفس خود را عزیز بدانند و باور دینی و ملی و شخصی خود را تقویت کنند، ناامید نشده و در برابر ظلم و ستم و سختی‌ها سر خم نمی‌کنند. احساس خودباوری و ارزشمندبودن در جوان از مجموعه افکار، عواطف، احساس‌ها و تجربه‌های او سرچشمه می‌گیرد؛ از این رو پرداخت به خودباوری در جوانان نسبت به دیگر افراد مهم‌تر به نظر می‌آید؛ زیرا دوره جوانی فرصتی تکرارناشدنی است که در آن می‌توان تجربه اندوخت و ویژگی خودباوری را تقویت کرد؛ از این رو در روایات به بهره‌برداری از این دوران تأکید فراوانی شده^۱ (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۵۷) و بخشی از عمر است که حسابرسی جداگانه دارد^۲ (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۵۳).

نقطه مقابل خودباوری، خودباختگی است. از همین جاست که یکی از ابزارهای سلطه‌گری کشورهای قدرت طلب در چیرگی بر دیگر جوامع، ایجاد روحیه خودباختگی در میان آنهاست. در آیات قرآن سبب غلبه فرعون بر مردم، چنین عاملی معرفی شده است: «فَاشْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (زخرف، ۵۴). مقصود از حَفَّت در این آیه، حَفَّت معنوی یعنی ضعیف شمردن و پستی است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۹۴). آیات دیگر نیز بیانگر این حقیقت است که فرعون قوم خود را به ضعف و سستی می‌کشاند است: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ» (قصص، ۴). استضعاف انواع مختلف استضعاف فکری، فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی و سیاسی را شامل می‌شود. در گذشته فرعون افراد جامعه را با کشتن مردان و نگه‌داشتن زنان برای خدمتکاری ضعیف نگه می‌داشته است و امروزه چنین هدفی بوسیله مواد مخدر، گسترش فحشا، شراب، قمار و سرگرمی‌های ناسالم تأمین می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، صص ۲۱-۱۹). از آنجا که استضعاف ناسازگار با فطرت و اهداف خلقت انسان است، پیامبران همراه کتاب‌ها و قوانین الهی برای ایجاد امت واحده و برطرف کردن این پدیده شوم ارسال شده‌اند. همچنین به دلیل آنکه استضعاف بر خلاف سنت الهی و مسیر

۱. يَا عَلِيُّ بَادِرٌ بِأَرْبَعٍ قَبْلَ أَرْبَعِ سَبَابِكَ قَبْلَ هَرَمِكَ وَ صِيْحَتِكَ قَبْلَ شَمْعِكَ وَ غِنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ وَ حَيَاتِكَ قَبْلَ مَوْتِكَ.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا تَزُولُ قَدَمَا عُبِدَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْتَاهُ وَ سَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ....

سالم و اصلی روزگار است، سرانجامی نخواهد داشت؛ زیرا سنت الهی تغییرناپذیر است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۱۹۰).

همان‌طور که خودباختگی، ذلت و سستی را به دنبال می‌آورد، خودباوری عزت نفس و سربلندی را در پی دارد. نگاه جوانی که در مکتب اسلام رشد و تعلیم یافته، همواره به آینده است و وضعیت موجود وی را راضی نمی‌کند؛ در هر شرایطی ناامید نشود و بایسته است با بیدادگری و جهل و خودباختگی مبارزه کند؛ رویکرد وی در این موارد فعالانه است، نه منفعلانه (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۱). یکی از راه‌های امیدآوری و تقویت خودباوری جوانان در جامعه منتظر، نظر در بشارت‌هایی است که نسبت به آینده جهان در آیات و روایات بدان اشاره شده است. در کلام الهی نوید اوج خودباوری به صورت کامل و گسترده در آینده گیتی به اهل اسلام داده شده است: «و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص، ۵). تفسیر آیه در روایات متعددی، دوران فرمانروایی امام زمان علیه السلام دانسته شده است (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲، ج ۲، صص ۲۹-۲۵). امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در بیانی وارثان زمین را آل محمد دانستند که خداوند مهدی ایشان را می‌فرستد تا دشمنان را ذلیل کرده و مایه عزت مسلمانان باشد (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲، ج ۲، صص ۲۹-۲۵). در دعای ندبه امام زمان علیه السلام عزت بخش موالیان و ذلت بخش دشمنان معرفی شده است. یاران مهدی علیه السلام نیز در نهایت عزت و شکوه خواهند بود. امام باقر علیه السلام فرمودند گویا یاران قائم علیه السلام را می‌بینم که به شرق تا غرب احاطه یافته، همه چیز حتی درندگان زمین و پرندگان وحشی فرمانبر ایشان بوده و رضایت آنها را جویا هستند. مکان‌های مختلف از زمین افتخار می‌کنند که اصحاب مهدی علیه السلام بر آنها گام برداشته‌اند^۱ (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۸۳). چشمداشت به چنین آینده‌ای، عزت نفس و اعتماد به نفس جوان را استحکام

۱. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: كَانَتِي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ علیه السلام وَ قَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْحَافِقَتَيْنِ فَلَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ هُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ حَتَّى سَبَاغِ الْأَرْضِ وَ سَبَاغِ الطَّيْرِ يَطْلُبُ رِضَاهُمْ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى تَفْخَرَ الْأَرْضُ عَلَى الْأَرْضِ وَ تَقُولَ مَرَّ بِي الْيَوْمَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ علیه السلام.

بخشیده و موجب می‌شود تا وی نقش واقعی خویش را در جامعه منتظر ایفا کند.

نتیجه‌گیری

دستاوردهای برآمده از مطالب این نگاشته را در چند شماره می‌توان برشمرد:

۱. در جامعه منتظر بر عهده همه افراد جامعه وظایفی تعریف شده است که در راه رسیدن به آرمان شهر مهدوی بایسته است بدان اهتمام ورزند.
۲. وظایف جوانان در این میانه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا جوانی بهار زندگی، خودسازی و سازندگی است. افزون بر آن در سیره حکومت‌داری امام زمان علیه السلام، جوانان نقش کارآمدی در کارهای مهم و اساسی جامعه دارند.
۳. اولین بایسته جوان منتظر، معرفت‌افزایی به امام زمان علیه السلام است. معرفت به امام آثار مهمی چون مرگ با حالت ایمان، در امان بودن از فتنه‌های آخرالزمان، پذیرش اعمال و خداشناسی درست دارد. معرفت‌افزایی زمینه‌ساز ظهور بوده و موجب فرمان‌بری افراد از حجت الهی می‌شود.
۴. دومین وظیفه جوانان قدرت‌افزایی است. همان‌گونه که بیشتر یاران امام مهدی علیه السلام جوان بوده و از توانایی جسمی و جنگاوری فوق العاده‌ای بهره‌مند هستند، بر جوان جامعه منتظر است که توان جسمی و نظامی خود را افزایش دهد.
۵. سومین بایستگی جوان، تاب‌آوری بوده و بر عهده اوست تا مقاومت خود را در برابر سختی‌ها افزون کند. افراد پایدارتر، نزدیک‌تر به پیشوای الهی خود خواهند بود.
۶. چهارمین وظیفه مسئولیت‌پذیری است؛ از جمله این مسئولیت‌ها می‌توان به انتظار ظهور داشتن، یادکرد از حجت الهی، گام برداشتن در جهت تربیت اسلامی جامعه و رویارویی همگان با بدی و پلشتی در جامعه اشاره کرد.
۷. پنجمین بایسته جوانان در جامعه منتظر خودباوری است. اعتماد به نفس در جوانان موجب آمادگی و پرورش روحی آنها می‌شود. به دلیل آنکه اوج این خودباوری در حکومت مهدوی رخ می‌دهد، بایسته است جوان مؤمن با تقویت این ویژگی در راه رسیدن به دولت حق در آینده گیتی تلاش کند.

کتابنامه

* قرآن کریم.

۱. ابن شعبه، حسن. (۱۴۰۴ق). تحف العقول (محقق: علی اکبر غفاری). قم: جامعه مدرسین.
۲. ابن طاووس، علی. (۱۴۱۶ق). التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (ج ۱). قم: مؤسسه صاحب الأمر.
۳. برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱ق). المحاسن (ج ۱). قم: دار الکتب الإسلامیة.
۴. حکیمی، محمد رضا؛ حکیمی، علی و حکیمی، محمد. (۱۳۸۹). الحیة (ج ۸). قم: دلیل ما.
۵. خزّاز رازی، علی. (۱۴۰۱ق). کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر. قم: بیدار.
۶. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا (ج ۱۳، چاپ دوم). تهران: دانشگاه تهران.
۷. رستمیان، محمد علی. (۱۳۹۳). مسئولیت پذیری و وظیفه شناسی از دیدگاه قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام. مجله پژوهشنامه حکمت اهل بیت علیهم السلام، شماره ۲، صص ۳۱-۵۰.
۸. سامانی، سیامک؛ جوکار، بهرام، صحراگرد، نرگس. (۱۳۸۶). تاب آوری سلامت روانی و رضایتمندی از زندگی. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۳(۳)، صص ۲۹۰-۲۹۵.
۹. شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغة (للصّبحی صالح). قم: هجرت.
۱۰. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۹۰). با جوانان. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی علیه السلام.
۱۱. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۹۱). سلسله مباحث امامت و مهدویت (ج ۱، ۲، ۴). قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی علیه السلام.
۱۲. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۹۳). پیام های مهدوی. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی علیه السلام.

۱۳. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۷). معارف دین (ج ۱، ۲). قم: مؤسسه انتشارات حضرت معصومه علیها السلام.
۱۴. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۴۲۲ق). منتخب الأثر في الإمام الثاني عشر عليه السلام (ج ۲). قم: مكتب آية الله لطف‌الله الصافي الكلبايگاني عليه السلام.
۱۵. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۴۲۳ق). أمان الأمة من الضلال و الاختلاف. بيروت: دار العلوم.
۱۶. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۴۳۳ق). راه اصلاح يا امر به معروف و نهی از منکر. قم: مركز تنظيم و نشر آثار حضرت آيت الله العظمی صافی گلپایگانی عليه السلام.
۱۷. صدوق، محمد بن علی. (۱۳۶۲). الخصال (ج ۱، ۲). قم: جامعه مدرسین.
۱۸. صدوق، محمد بن علی. (۱۳۸۵). علل الشرائع (ج ۱). قم: داوری.
۱۹. صدوق، محمد بن علی. (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمة (ج ۲). تهران: اسلامیه.
۲۰. صدوق، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). معانی الأخبار (محقق: علی اکبر غفاری). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه (ج ۴). قم: مؤسسه النشر الإسلامي.
۲۲. صفّار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات. قم: مکتبه آية الله المرعشي النجفي عليه السلام.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام (ج ۲). تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۱ق). الغيبة. قم: دار المعارف الإسلامية.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). الأمالي. قم: دار الثقافة.
۲۶. عرفان، حسن. (۱۳۷۹). مجله حدیث زندگی، پیش شماره ۳.
۲۷. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). تفسیر العیاشی (ج ۱). تهران: المطبعة العلمية.
۲۸. فقیه ایمانی، محمد باقر. (۱۳۸۸). شیوه‌های یاری قائم آل محمد علیهم السلام. قم: عطر عترت.
۲۹. کراچکی، محمد. (۱۴۱۰ق). کنز الفوائد (محقق: عبدالله نعمه، ج ۱). قم: دار الذخائر.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۱، ۸). تهران: دار الکتب الإسلامية.

۳۱. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام (ج ۷۲). بيروت: دار إحياء التراث العربي.
۳۲. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۹). حکمت نامه جوان. قم: دار الحديث.
۳۳. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقيق في كلمات القرآن الكريم (ج ۳). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه (ج ۱۶). تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۵. نعمانی، محمد. (۱۳۹۷ق). الغيبة (محقق: علی اکبر غفاری). تهران: نشر صدوق.



References

* The Holy Qur'an.

1. Ayashi, M. (1380 AH). *Tafsir Al-Ayashi* (Vol. 1). Tehran: Al-Matba'a Al-Ilmiya. [In Arabic]
2. Barqi, A. (1371 AH). *Al-Mahasin* (Vol. 1). Qom: Dar al-Kotob al-Islamiyyah. [In Arabic]
3. Dekhoda, A. A. (1377 AP). *Dekhoda dictionary* (Vol. 13, 2nd ed.). Tehran: University of Tehran. [In Persian]
4. Faqih Imani, M. B. (2008). *Ways of helping Qaim Ale-Muhammad*. Qom: Atr-e-Etrat.
5. Hakimi, M., Hakimi, A., & Hakimi, M. (1389 AP). *Al-Hayat* (Vol. 8). Qom: Dalile Ma. [In Persian]
6. Ibn Shuba, H. (1404 AH). *Tohaf al-Oqul* (A. A. Ghaffari, Ed.). Qom: Society of Teachers. [In Arabic]
7. Ibn Tawous, A. (1416 AH). *Al-Tashreef bi al-Minan fi Al-Tareef be al-Fitan* (Vol. 1). Qom: Sahib Al-Amr Institute. [In Arabic]
8. Irfan, H. (1379 AP). *Life Hadith Magazine*, Pre-issue 3. [In Persian]
9. Karajaki, M. (1410 A.H.). *Kanz al-Fawa'id* (Nameh, A, Ed., Vol. 1). Qom: Dar Zakhaer. [In Arabic]
10. Khazzaz Razi, A. (1401 AH). *Kifaya al-Athar fi al-Nas ala al-A'imah al-Ithna al-Ashar*. Qom: Bidar. [In Arabic]
11. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi* (Vols. 1 & 8). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah. [In Arabic]
12. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar al-Jame'ah le Durar Akhbar al-A'imah al-Athar* (Vol. 72). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
13. Makarem Shirazi, N. (1374 AP). *Tafsir Nemouneh* (Vol. 16). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah. [In Persian]
14. Mohammadi Reyshahri, M. (1389 AP). *Hikmat Nameh Javan*. Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
15. Mostafavi, H. (1368 AP). *Al-Tahqiq fi Kalamat al-Qur'an al-Karim* (Vol. 3). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]

16. Nomani, M. (1397 AH). *Al-Ghaibah* (A. A. Ghaffari, Ed.). Tehran: Sadouq Publications. [In Arabic]
17. Rostamian, M. A. (1393 AP). Responsibility and conscientiousness from the perspective of the Qur'an and the traditions of Ahl al-Bayt. *Hikmat Ahl al-Bayt Research Journal*, 2, pp. 31-50. [In Persian]
18. Sadouq, M. (1362 AP). *Al-Khasal* (Vols. 1 & 2). Qom: Society of Teachers. [In Persian]
19. Sadouq, M. (1385 AP). *Ilal al-Sharaye* (Vol. 1). Qom: Davari. [In Persian]
20. Sadouq, M. (1395 AH). *Kamal al-Din va Tamama Al-Na'ama* (Vol. 2). Tehran: Islamia. [In Arabic]
21. Sadouq, M. (1403 AH). *Ma'ani al-Akhbar* (A. A. Ghafari, Ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
22. Sadouq, M. (1413 AH). *Man la Yahdar al-Faqih* (Vol. 4). Qom: Mu'asisah al-Nashr al-Islami. [In Arabic]
23. Saffar, M. (1404 AH). *Basaer al-Darajat*. Qom: Maktabah Ayatollah al-Marashi al-Najafi. [In Arabic]
24. Safi Golpayegani, L. (1390 AP). With young people. Qom: The Center for Organizing and Publishing the Works of Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
25. Safi Golpayegani, L. (1391 AP). *A series of discussions on Imamate and Mahdism* (Vols. 1, 2, 4). Qom: The center for organizing and publishing the works of Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
26. Safi Golpayegani, L. (1393 AP). *Mahdavi's messages*. Qom: The Center for Organizing and Publishing the Works of Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
27. Safi Golpayegani, L. (1397 AP). *Religion's education* (Vols. 1 & 2). Qom: Hazrat Masoumeh Publications. [In Persian]
28. Safi Golpayegani, L. (1422 AH). *Muntakhab al-Athar fi al-Imam al-Thani* (Vol. 2). Qom: Maktab Ayatollah Lotfollah al-Safi al-Golpayegani. [In Arabic]

29. Safi Golpayegani, L. (1423 AH). *Aman al-Umat mi al-Zilal va al-Ikhtilaf*. Beirut: Dar al-Uloom. [In Arabic]
30. Safi Golpayegani, L. (1433 AH). *The way of reforming or enjoining good and forbidding evil*. Qom: The Center for Organizing and Publishing the Works of Ayatollah Safi Golpayegani. [In Arabic]
31. Samani, Siamak., Jokar, B., & Sahragard, N. (1386 AP). Mental health resilience and life satisfaction. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 13(3), pp. 290-295. [In Persian]
32. Sharif Razi, M. (1414 AH). *Nahj al-Balagha* (Sobhi Saleh, Ed.). Qom: Hejraht. [In Arabic]
33. Tousi, M. (1407 AH). *Tahhib al-Ahkam* (Vol. 2). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah. [In Arabic]
34. Tusi, M. (1411 AH). *Al-Ghaibah*. Qom: Dar al-Ma'arif al-Islamiya. [In Arabic]
35. Tusi, M. (1414 AH). *Al-Amali*. Qom: Dar al-Thaqafa. [In Arabic]

